

روشی نو در تحلیل و مقایسه‌ی داستان‌های رئالیستی

(با رویکردی به داستان‌های «یکی بود، یکی نبود» و «پیرمرد و دریا»)

هادی نوری شمسی







روشی نو در تحلیل و مقایسه‌ی داستان‌های رئالیستی

(با رویکردی به داستان‌های «یکی بود، یکی نبود» و «پیرمرد و دریا»)



نویسنده:

هادی نوری شمسی



شهریور ۱۳۹۹



- ✧ سرشناسه: نوری شمسی، هادی، ۱۳۴۸
- ✧ عنوان: روشی نو در تحلیل و مقایسه‌ی داستان‌های رئالیستی
(با رویکردی به داستان‌های «یکی بود، یکی نبود» و «پیرمرد و دریا»)
- ✧ نام پدیدآورنده: هادی نوری شمسی
- ✧ مشخصات نشر: انتشارات اندیشمندان یزد، ۱۳۹۹
- ✧ مشخصات ظاهری: ۲۹۲ ص وزیر
- ✧ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
- ✧ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۴-۲۴۷-۱
- ✧ یادداشت: کتابنامه: ص ۲۹۱-۲۸۵
- ✧ موضوع: جمال‌زاده، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۰ - ۱۳۷۶ -- نقد و تفسیر
- ✧ موضوع: همینگوی، ارنست، ۱۸۹۹-۱۹۶۱ م -- نقد و تفسیر
- ✧ موضوع: Hemingway, Ernest -- Criticism and interpretation
- ✧ موضوع: جمال‌زاده، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۰ - ۱۳۷۶ . یکی بود و یکی نبود -- نقد و تفسیر
- ✧ موضوع: همینگوی، ارنست، ۱۸۹۹-۱۹۶۱ م . پیرمرد و دریا -- نقد و تفسیر
- ✧ موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
- ✧ موضوع: Persian fiction -- 20th century -- History and criticism
- ✧ موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد
- ✧ موضوع: American fiction -- 20th century -- History and criticism
- ✧ موضوع: واقع‌گرایی در ادبیات
- ✧ موضوع: Realism in literature
- ✧ موضوع: ادبیات تطبیقی -- آمریکایی و ایرانی
- ✧ موضوع: Comparative literature -- American and Iranian
- ✧ رده‌بندی کنگره: PIR۸۰۰۹
- ✧ رده‌بندی دیوبی: ۸۱۳/۶۲
- ✧ شماره کتابشناسی: ۷۳۷۳۴۹۴
- ✧ وضعیت رکورد: فیبا



روشی نو در تحلیل و مقایسه‌ی داستان‌های رئالیستی

(با رویکردی به داستان‌های «یکی بود، یکی نبود» و «پیرمرد و دریا»)



✦ نویسنده: هادی نوری شمسی

✦ نظارت چاپ: سید محمد موسوی

✦ صفحه‌آرا: آتنا ماندی

✦ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۴-۲۴۷-۱

✦ نوبت چاپ: اول/ شهریور ۱۳۹۹

✦ قیمت: ۵۳۰۰۰۰ ریال

✦ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی ناشر: یزد، خیابان فرخی یزدی، پاساژ ۱۱۰، انتشارات اندیشمندان یزد

تلفن: ۰۳۵ - ۳۶۲۶۹۳۳۰ - ۰۹۱۳۳۵۶۶۶۷۲





تقدیم:



به همسر م که، همراه و مشوق، همیشگی ام بوده اند،

به استادان فرهیخته ام که صادقانه کوهردانش خود را تقدیم نموده اند.

به تمامی علاقه مندان، هنرداستان پرداز و شیفتگان مکتب رنالیسم

که بهترین گزینۀ ادبی قرن را انتخاب کرده اند.



انتشارات اندیشمندان یزد در طول نزدیک به دو دهه از فعالیت خود که تاکنون بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب را در حوزه‌های فرهنگ، ادب و تاریخ بویژه در حوزه یزد پژوهی از نویسندگان یزدی چاپ کرده است، این بار موفق به چاپ کتابی در حوزه ادب تطبیقی و در زمینه نقد و تحلیل داستان‌های واقع‌گرا با رویکردی به دو داستان ماندگار در ادبیات جهان به نام‌های «پیرمرد و دریا» اثر ارنست همینگوی (۱۸۹۸-۱۹۶۱م)، نویسنده نامدار آمریکایی و «یکی بود، یکی نبود»، اثر سید محمدعلی جمال زاده (۱۲۷۰-۱۳۷۶ش) شده است. به بیان نویسنده: «یکی بود، یکی نبود»، نخستین داستان واقع‌گرای زبان فارسی و «پیرمرد و دریا» از آثار تجربی و فاخر ادبیات آمریکا در این زمینه است.

نویسنده این کتاب آقای هادی نوری شمسی، از دبیران با سابقه ادبیات یزد است که با نگرشی نو نخست به بیان شیوه‌های تحلیل داستان‌های واقع‌گرا مبارت کرده و سپس به بررسی و تطبیق این دو داستان و زمینه‌های اجتماعی خلق آن پرداخته است. وی در این کتاب و در بهره‌های آن به چند و چون این دو اثر و بررسی نظریات صاحب نظران در این باره و جایگاه و نقش دو اثر در کشورهای خود نگریسته است. هرچند تاکنون درباره این دو داستان در ایران، جداگانه نقدها و نظرهای گوناگونی چاپ شده است، اما تاکنون کسی به مقایسه آن دو دست نزده بود. وی برای این کار، ملاک‌های چندگانه‌ای را در نظر گرفته و سپس آن دو را قیاس کرده است.

بی‌گمان، هماره جای خالی چنین آثار تطبیقی و مقایسه‌ای در ادبیات ما احساس می‌شود. چنانکه در پهنهٔ ادب فارسی معاصره‌ها داستان از این‌گونه وجود دارد که به آثار کلاسیک و فاخر ادبیات جهان پهلومی‌زند و روزی باید از سوی نویسندگان ایرانی نقد، بررسی و مقایسه شود، آثاری چون: سووشون (سیمین دانشور)، کلیدر (محمود دولت‌آبادی)، چشم‌هایش (بزرگ علوی) افسانه و افسون (دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن)، شازده احتجاب (هوشنگ گلشیری)، تنگسیر (صادق چوبک)، همسایه‌ها (احمد محمود) ثریا در اغما (اسماعیل فصیح)، آتش بدون دود (نادر ابراهیمی)، بوف کور (صادق هدایت) و شوهر آهو خانم (علی محمد افغانی).

حسین مسرت

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
------------	----

فصل ۱: کلیات

تبیین موضوع کتاب.....	۲۱
اهداف، دستاوردها و روش های تحقیقی.....	۲۶

فصل ۲: معرفی مکتب رئالیست

مکتب رئالیست.....	۳۷
تفاوت رئالیسم و ناتورالیسم.....	۳۹
علل پیدایش رئالیسم.....	۴۰
هدف و روش رئالیسم.....	۴۱
واقعیت، حقیقت و تفاوت آن ها.....	۴۲
آیا واقع گرایی با تخیل نویسنده، در تضاد است؟.....	۴۴
گرایش های اساسی رئالیسم: نظریه ی همسازی - نظریه ی همبستگی.....	۴۵
چگونگی به دست آمدن واقعیت.....	۴۷
جایگاه تخیل در ادبیات رئالیستی.....	۵۰
علل پایبندی رئالیسم به واقعیات عینی.....	۵۱
نظریه ی بازنمایی یا بازآفرینی در مکتب رئالیسم.....	۵۱
تاریخچه ی رئالیسم.....	۵۳
۱- چگونگی شکل گیری رئالیسم.....	۵۳
۲- علل پیدایش رئالیسم.....	۵۳
۳- کیفیت رابطه ی نویسندگان رئالیست با جامعه.....	۵۵
۴- انسان گرایی در رئالیست.....	۵۶

- ۵- پیدایش روش‌های علمی در رئالیست..... ۵۶
- ۶- معرفی نظریه‌های «هنر برای هنر» و «هنر برای فایده»..... ۵۷
- اصول اساسی رئالیسم..... ۶۲
- تعاریف رئالیسم از دیدگاه برخی رئالیست‌ها..... ۶۲
- انواع رئالیست..... ۶۴
- رئالیسم ابتدای..... ۶۵
- رئالیسم انتقادی..... ۶۶
- رئالیسم سوسیالیسم..... ۶۶
- رئالیسم جادویی..... ۶۷
- جایگاه و تأثیر روابط و شرایط اجتماعی در بیان وقایع داستان‌های رئالیستی..... ۶۷
- چگونگی بازتاب فکر و احساس نویسنده در داستان‌های واقع‌گرا..... ۶۹
- کیفیت شخصیت‌سازی در داستان‌های رئالیستی و ویژگی‌های شخصیت داستانی..... ۷۳
- ویژگی‌های مسائل و موضوعات داستان‌های رئالیستی..... ۷۶
- جایگاه انسان در رئالیست..... ۸۰
- عوامل یا ملاک‌های سنجش سطح رئالیستی (واقع‌گرایی) داستان..... ۸۱
- ۱- موضوع داستان رئالیستی، توصیف واقعیات اجتماع زمان خود نویسنده است..... ۸۱
- ۲- پیروی از نظریه‌ی همسازی و نظریه‌ی همبستگی هر دو در رئالیست پذیرفتنی است..... ۸۱
- ۳- بیان مسائل اساسی و ضروری اجتماع و مبتلا به مردم..... ۸۱
- ۴- توجه به فایده‌بخش بودن مضمون داستان..... ۸۲
- ۵- زبان ساده، قابل فهم، نزدیک به زبان مردم و عینی دارند..... ۸۲
- ۶- نقد نظام حاکم، بدون تعصب و وابستگی به آن، به نفع طبقات محروم..... ۸۲
- ۷- شخصیت‌های داستان رئالیستی از نوع تیپیک و برخاسته از طبقه‌ی متوسط‌اند..... ۸۳
- ۸- تکامل شخصیت‌ها، در بستر تاریخ و محیط اجتماع معاصر..... ۸۳
- ۹- پیروی از اصل علت و معلول در طرح داستان..... ۸۳
- ۱۰- مشخص بودن زمان به صورت خطی و مکان به صورت عینی در داستان..... ۸۴



- ۸۴..... ۱۱- انطباق گویش اشخاص داستان با محیط و موقعیت آنها.
- ۸۴..... ۱۲- عدم حضور نویسنده در داستان و پرهیز از القای افکار خود به خواننده.
- ۸۴..... ۱۳- نسبی نگری در رئالیست بر مطلق‌نگری ارجحیت دارد.
- ۸۵..... ۱۴- توجه به جزئیات قابل مشاهده در توصیف اشخاص و صحنه‌ها.
- ۸۵..... معرفی قالب داستان کوتاه.
- ۸۵..... تاریخچه:
- ۸۶..... تعریف داستان کوتاه.
- ۸۶..... ویژگی‌های داستان کوتاه.
- ۸۸..... ویژگی‌های یک داستان کوتاه خوب.

فصل ۳: معرفی جمال‌زاده و همینگوی

- ۹۳..... زندگی‌نامه‌ی سید محمد علی جمال‌زاده.
- ۹۸..... آثار جمال‌زاده.
- ۹۸..... الف- نگارش‌های پژوهشی.
- ۹۹..... ب- نگارش‌های داستانی.
- ۱۰۰..... ج- نگارش‌های اجتماعی- سیاسی.
- ۱۰۰..... د- نگارش‌های ترجمه‌ای.
- ۱۰۱..... ه- نوشته‌های تفتنی.
- ۱۰۱..... و- نوشته‌های خاطراتی.
- ۱۰۲..... ز- نگارش‌های انتقادی و معرفی کتاب.
- ۱۰۳..... دلایل توفیق بزرگ «یکی بود، یکی نبود».
- ۱۰۳..... سبک نویسندگی جمال‌زاده و ویژگی‌های داستان‌نویسی او.
- ۱۱۱..... نظر برخی بزرگان در خصوص «جمال‌زاده» و «یکی بود، یکی نبود».
- ۱۱۶..... زندگی‌نامه‌ی ارنست میلر همینگوی.
- ۱۳۱..... سبک نگارش و شیوه‌ی داستان‌نویسی همینگوی.



- ۱۳۹اهمّ ویژگی‌های سبکی همینگوی.....
- ۱۴۳جایگاه سبک همینگوی در نویسندگی.....
- ۱۴۴نظر منتقدین درباره‌ی پیرمرد و دریا.....
- ۱۴۶بازتاب پیرمرد و دریا در سینما.....
- ۱۴۶ترجمه‌ی آثار همینگوی به فارسی.....
- ۱۴۸تأثیر همینگوی بر داستان‌نویسی ایران.....

فصل ۴: بررسی و تحلیل پیرمرد و دریا و یکی بود، یکی نبود

- ۱۵۱بررسی و تحلیل رئالیستی داستان «پیرمرد و دریا» ی همینگوی.....
- ۲۱۱بررسی و تحلیل رئالیستی مجموعه‌ی «یکی بود، یکی نبود».....

فصل ۵: نتیجه‌گیری

- ۲۵۹نتیجه.....
- ۲۸۲پیشنهاها.....
- ۲۸۵فهرست منابع و مآخذ.....





ادبیات و از آن جمله، ادبیات داستانی که جایگاه ویژه‌ای در میان خواص اهل ادب و عموم مردم دارد، به عنوان یکی از هنرهای است که با تکیه بر فرهنگ یک جامعه، به رشد و بالندگی می‌رسد و متقابلاً باعث رشد و تعالی فکری و فرهنگی جامعه می‌گردد.

بخش اعظم بینش‌ها، احساسات و باورهای یک ملت در ادبیات داستانی جلوه‌گری می‌کند. این نوع ادبی رایج‌ترین، محبوب‌ترین و هنری‌ترین جلوه‌ی ادبی در میان اکثر ملّت‌ها است. کنکاش در این زمینه، ما را به هدف عالی پدیدآورندگان داستان که همان راهنمایی و روشنگری ملّت‌ها است، آگاه می‌کند، لیکن بر پایه‌ی شیوه‌ی واقع‌گرایی درجه‌ی میزان تأثیرگذاری آن‌ها در امر روشنگری و هدایت جامعه متفاوت است.

اگرچه قدیم‌ترین نوع ادبی، داستان است، لیکن داستان به معنی امروزی و اشکال جدید آن از ربع اوّل قرن هجدهم میلادی به بعد، در غرب پیدایش یافته است و در ایران نزدیک به یک‌صد سال از عمر آن می‌گذرد.

از آن جهت که شکل‌های تازه‌ی داستان و از جمله داستان کوتاه که بررسی دو نمونه‌ی معروف آن، موضوع تحقیق ماست، هم‌زمان در دل مکتب‌های ادبی و فلسفه‌های حاکم بر آن مکتب‌ها به رشد و تکامل

رسیده است، لازم است در فصل اول کتاب، به مفهوم رئالیست، تاریخچه‌ی پیدایش آن، انواع آن، ویژگی‌های رئالیست و سطوح مختلف آن پردازیم تا در بررسی و مقایسه‌ی محتوایی و ساختاری مجموعه داستان‌های «یکی بود، یکی نبود» (۱۳۰۰ ه.ش) اثر سید محمدعلی جمال‌زاده (۱۲۷۰-۱۳۷۶ ه.ش) و داستان کوتاه «پیرمرد و دریا» (۱۹۵۲. م) اثر ارنست میلر همینگوی (۱۹۶۱-۱۸۹۸. م) از آمریکا، مشخص نماییم که ارزش و سطح رئالیستی هر کدام، با توجه به شکل و محتوا در چه جایگاهی است.

اولی در سال ۱۳۰۰ ه.ش، به عنوان اولین داستان کوتاه واقع‌گرای فارسی نگارش یافته و دومی پس از پشت سر گذاشتن ده‌ها نمونه‌ی کمال‌یافته، با الهام‌گیری از یک قرن تجربه‌ی داستان‌نویسی آمریکا عرضه شده است، طبیعی است که اثر جمال‌زاده به لحاظ شکل داستانی و رعایت اصول رئالیست ناپختگی‌هایی دارد؛ ولی ارزش تاریخی آن از جهت فضیلت تقدّم، فوق‌العاده است.

اگرچه مقایسه و نقد ما، در حوزه‌ی ادبیّات تطبیقی می‌گنجد، لیکن نقدی از نوع نقد تاریخی یا موازنه نیست که بر وجدان و شهود هنری متکی باشد و ملاک، ذوق، علاقه، تعصّب و سلیقه باشد، بلکه بیشتر نقد فنی و محتوایی مورد نظر است.

هم‌چنین مقایسه‌ی ما از نوع نقد نفوذ نیست تا به کیفیت انعکاس و تجلّی یکی از آن دو اثر ادبی، در دیگری باشیم، اگرچه در نقد و شناخت ادب معاصر توجه به تأثیر و نفوذ ادبیّات غرب در ادبیّات فارسی ضروری است که از این طریق در فهم و نقد آثار ادبی توفیق حاصل می‌شود؛ ولی به جهت بعد تاریخی و جغرافیایی پیدایش دو اثر مذکور،



عدم ارتباط تنگاتنگ دو ملت ایران و آمریکا در آن عصر و عدم لزوم تأثیرپذیری از یکدیگر، این مقایسه منتفی است.

این مجموعه به نقد، تحلیل و مقایسه‌ی دو داستان کوتاه از دیدگاه رئالیسم می‌پردازد تا بر اساس ملاک‌ها و مشخصه‌های داستان‌های رئالیستی، سطح واقع‌گرایی آن‌ها مشخص شود.

«یکی بود، یکی نبود» اثر سید محمدعلی جمال‌زاده اصفهانی (۱۲۷۰-۱۳۷۶ ه.ش) و داستان «پیرمرد و دریا» اثر ارنست میلر همینگوی آمریکایی (۱۸۹۸-۱۹۶۰ م) با هم مقایسه می‌شوند.

ابتدا به معرفی کامل رئالیسم، ارائه‌ی ۱۴ ملاک برای سنجش داستان‌های واقع‌گرا و معرفی داستان کوتاه و در فصل دوم و سوم به مقایسه و نتیجه‌گیری دو اثر مذکور پرداخته‌ایم.





فصل ۱: کلیات



تبیین موضوع کتاب

بحث ما در این پژوهش در نوع ادبیات تطبیقی می‌گنجد. ادبیات تطبیقی عرصه‌ی رویارویی آثار ادبی دو نقطه از جهان است که معمولاً با مقایسه‌ی دو اثر، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و امتیازات آن‌ها آشکار می‌شود و احیاناً به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دو اثر پی می‌بریم، سطوح هر یک در ابعاد مختلف تکنیکی، ساختاری و محتوایی شناخته می‌شود و در نتیجه قوت و ضعف هر یک شناخته می‌شود.

مقایسه باعث می‌شود، هر اثر، به خوبی شناخته شود و سطح آن، از طریق ملاک‌ها و معیارهای سنجش نوع ادبی آن، سنجیده شود.

مقایسه‌ی دو داستان از لحاظ مختلف می‌تواند صورت گیرد. از نظر عناصر داستانی، از نظر زبان، به لحاظ محتوا، به جهت مکتب ادبی، از نظر ساختار و نوع داستان و غیره.

نوعی که نگارنده در مقایسه‌ی «یکی بود، یکی نبود» و «پیرمرد و دریا» برگزیده، مقایسه‌ی رئالیستی آن‌ها نسبت به یکدیگر است. برای سهولت کار در فصل دوم، ملاک‌ها و ویژگی‌های داستان‌های رئالیستی را بر اساس آثار بزرگ رئالیستی و نظریه‌پردازان مکتب رئالیست، جمع‌آوری و تدوین نمودیم. سپس بر پایه‌ی آن‌ها، هر دو اثر را مورد سنجش قرار دادیم تا میزان واقع‌گرایی و سطوح هر یک مشخص شود.

نگارنده دریافته است، کتابی به فارسی تدوین نشده است که تمام ملاک‌ها و ویژگی‌های داستان‌های رئالیست صرف‌نظر از عناصر داستانی، در برداشته باشد و پژوهشگران فارسی‌زبان، عمدتاً در تحلیل داستان‌ها، به تشخیص جنبه‌های محدود رئالیستی بودن آن پرداخته‌اند. لذا تحقیق نگارنده در این راستا تازگی دارد و اثبات واقع‌گرا بودن یا نبودن یک اثر،

با توجه به این ملاک‌ها، دیگر دشوار به نظر نمی‌رسد و مخاطبین نیز در فهم دلایل رئالیستی بودن هر اثر داستانی، ارزیابی دقیقی خواهند داشت.

به طور مثال در ادبیات فارسی، جمال‌زاده را به عنوان پدر واقع‌گرایی در داستان جدید می‌شناسیم؛ ولی اینکه چه میزان پایبند اصول رئالیست بود و اصلاً توان به‌کارگیری آن اصول در داستان داشته یا خیر؟ به طور کامل و جامع مورد بررسی قرار نگرفته است. اما با راهگشایی و خط‌مشی این پژوهش، هر داستانی که به شیوه‌ی رئالیست نوشته شده باشد به راحتی قابل سنجش است و در مقایسه با دیگر داستان‌های رئالیستی میزان پایبندی نویسنده به اصول مکتب رئالیست شناخته می‌شود.

نگارنده در این کتاب در پی آن است که به سؤال‌های ذیل پاسخ‌هایی در خور ارائه کند.

واقع‌گرایی چیست؟ و سطح واقع‌گرایی این دو اثر و میزان پایبندی هر کدام به اصول رئالیست در چه حدی است؟

دیگر این‌که، جایگاه رئالیست در هر دو کشور ایران و آمریکا - زادگاه دو نویسنده‌ی مذکور - و سیر تکامل رئالیست در هر دو کشور چگونه است؟ چرا اثر این دو را، رئالیستی می‌نامیم؟

شاخصه‌های رئالیستی بودن آن‌ها چیست؟ تشابه، تفاوت و امتیاز هر یک نسبت به دیگری در عناصر داستانی مرتبط با ویژگی‌های آثار رئالیستی چیست؟ نقاط قوت و ضعف هر کدام به لحاظ ملاک‌ها و اصول رئالیست چیست؟ دلایل و زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی‌ای که هر کدام را به گرایش خاصی در رئالیست واداشته، کدام است؟ ارتباط شخصیت و خصوصیات فردی دو نویسنده با آثارشان چگونه است؟ و چرا به خلق چنین آثاری دست زده‌اند؟ جایگاه هر دو



نویسنده در میان سایر نویسندگان رئالیست چیست؟ تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هر کدام در حوزه‌ی داستان‌نویسی رئالیست چگونه بوده است؟ دلایل انتخاب چنین موضوع یا مضمونی برای آثارشان چه بوده است؟ خصوصیات فردی و جایگاه خانوادگی و اجتماعی هر کدام و تأثیر آن در انتخاب موضوعات داستانی چیست؟ میزان توجه هر کدام نسبت به تکنیک و ساختار داستانی و نیز محتوا و مضمون چگونه است؟

نگارنده، در این کتاب، مسائل ذیل را مورد مُدافعه بررسی و اثبات قرار داده است.

۱- سطح واقع‌گرایی جمال‌زاده در مقایسه با همینگوی سطح پایینی دارد. خصوصاً در داستان‌های «ویلان‌الدوله» و «بیل دیک، بیل چغندر» که علاوه بر رعایت نکردن همه‌ی اصول رئالیست، ساختار کامل و صحیح داستانی ندارد.

در داستان «پیرمرد و دریا» تمام اصول رئالیسم انتقادی رعایت شده و دور از هر گونه تخیل ناروا است، واقعیات داستان با زندگی نویسنده عجین شده، لذا رئالیست همینگوی در اوج قرار گرفته است. «یکی بود، یکی نبود» جمال‌زاده در سطح مقدماتی و ابتدایی روش رئالیسم انتقادی جای می‌گیرد. گاهی نیز با روش داستان‌های کلاسیک و رمانتیک در آمیخته است.

۲- رویکرد جامعه‌گرایی جمال‌زاده و فردگرایی همینگوی، به دو دلیل است: هدف جمال‌زاده بیدادگری نسل خود و مردم کشور خود و هدف همینگوی ارائه‌ی الگویی کوچک برای ساختن انسان در کلّ جوامع بشری است. لذا مضمون اجتماعی در «یکی بود، یکی نبود» به ظاهر رنگ برتر دارد و در واقع محیط داستان پیرمرد و دریا، برخلاف ظاهرش



وسیع‌تر از آن است. هم‌چنین موقعیت متفاوت تاریخی و اجتماعی دو کشور و درک هر یک، از نیاز مردم زمان خود، چنین مضامینی را ایجاب کرده است.

۳- ویژگی‌های تربیتی و شخصیتی این دو نویسنده، در انتخاب مضامین داستان‌شان ارتباط دارد. علت روی آوردن جمال‌زاده به موضوعات اجتماعی در داستان «یکی بود، یکی نبود» به دلیل عشق به وطن و فرهنگ ایرانی و روحیه‌ی ظلم‌ستیزی و آزادی‌خواهی که پدر در او ایجاد کرده بود و نیز سایه‌ی حکومت مستبدی که مانع رشد و پیشرفت جامعه‌ی ایران می‌شد و به دلیل پرورش‌یافتگی او در دامن اسلام و توجه به توصیه دین اسلام در تغییر سرنوشت خود، وظیفه‌ی خویش را در انتخاب موضوعاتی می‌دانست که مسائل مبتلا به جامعه بود.

در برابر، همین‌گوی که پرورش‌یافته‌ی دیدگاه «استفاده از لحظات زودگذر» زندگی بود و با بحران‌ها و مشکلات جامعه‌ی ما در آمریکا مواجه نبود، بر اساس فرهنگ آمریکایی، فردگرایی، منفعت‌طلبی و قهرمان‌گرایی آمریکایی را محور موضوع داستان خود قرار داد.

۴- اشخاص داستانی جمال‌زاده با تضادی جدی مواجه نیستند، پیوندشان با اجتماع جدی و لازم است، درصدد اثبات توان جامعه و هویت ملی و فرهنگی خود هستند و ارتباط تنگاتنگ با جامعه دارند. ولی شخصیت داستانی در «پیرمرد و دریا» متکی به توانمندی شخصی خود، امیدوار برای برداشتن موانع تا سر حد مرگ است و شکست برایش مفهوم خاصی دارد؛ ولی شکست که نوعی تضاد با آرمان شخصی است برای شخصیت‌های داستانی جمال‌زاده، قابل تصور نیست و به موفقیت مطلق در جامعه می‌انديشند. این دو دیدگاه متفاوت، برگرفته از تفاوت دو جامعه به لحاظ میزان آزادی‌های مدنی یا تسلط استبداد است.



۵- مطلق‌اندیشی و نوعی منفی‌گرایی در همه جای داستان «یکی بود، یکی نبود» دیده می‌شود ولی در «پیرمرد و دریا» نسبی‌گرایی و مثبت‌اندیشی حاکم است و این در ذات فرهنگ ایران و آمریکا است که در داستان‌ها رسوخ کرده است.

۶- عدم توجّه جدی جمال‌زاده به ساختار داستانی، برای این است که هدفش فایده‌ی محتوایی آن است و مردمی که مخاطب او هستند، به هنر و ساختار داستانی توجّه چندانی ندارند. او برای پاسخ به نیاز آن روز جامعه، صرف پیام‌رسانی، کافی می‌دانست؛ زیرا جامعه‌ی آن روز ایران، برای رشد، تعالی و تکامل همه‌جانبه، هنوز طرح و اندیشه و ابزاری نداشت. ولی جامعه‌ی آن روز آمریکا؛ یعنی زمان خلق پیرمرد و دریا جامعه‌ای تکامل یافته بود و انتظار مردم از نویسنده، فوق‌العاده بود، مراحل دموکراسی اجتماعی و دموکراسی ادبی را پشت سر نهاده بودند و همینگوی کامل‌کننده‌ی حلقه‌ی ادبیات مردمی و واقع‌گرایانه بود.

۷- جمال‌زاده تصمیم دارد، پرچمی که پدرش، واعظ اصفهانی، در طرح مسائل اساسی همچون: آزادی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، آگاهی و بیداری مردم، از طریق وعظ برافراشته بود، با رویکرد اجتماعی و قدرت ارتباطی که در داستان می‌دید، راه پدر را ادامه دهد. خصوصاً اینکه پدرش نیز به او توصیه کرده بود. لذا او واقعیّات زمانه را با زبان شیرین و روان فارسی عامّه به مردم ابلاغ کرد. این، نوعی تفکّر قومی و پدرسالارانه است؛ که در جامعه‌ی آمریکا و طبیعتاً در آثار همینگوی رایج نیست.

۸- دلیل ساده‌نویسی هر دو علاوه بر این‌که زیرساخت این روش به وسیله‌ی نویسندگان پیش از آن‌ها آماده شده بود. هر دو به لحاظ سیاسی - اجتماعی، در پیچ زمانی بودند که مردم محتاج به نویسندگان ساده نویس شده بودند تا واقعیّات زمان در قالب داستان ببینند و بخوانند.

